



قال رسول الله ﷺ:

﴿إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتَّقِنْ﴾

الكافي، ج ۳، ص ۲۶۳

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

شهدا زنده‌اند؛ روزی می‌خورند و شادمان‌اند.

شناسنامه مطلب	
m-f-1	کد مطلب
مهارتی/فرهنگی/شهدا/ایثار و شهادت/از نگاه آیات	رده
شهید، شهادت، شهادت در قرآن، رزق، حیات، علامه طباطبایی(ره)	برچسب
	توضیحات

پایگاه ترکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى :

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾
 ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ﴾
 أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱﴾
 ﴿يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۱

علامه طباطبایی (ره):

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا... در این آیه شریفه التفاتی از خطاب به مؤمنین به خطاب به رسول خدا (ص) شده است، قبلاً روی سخن با مؤمنین داشت، و می‌فرمود: "مَا أَصَابَكُمْ...". در این آیه روی سخن متوجه شخص رسول خدا (ص) نموده و می‌فرماید: "گمان مکن که...". وجه این التفات همان است که در خلال این آیات مکرر ذکر کردیم، احتمال هم دارد که خطاب در این آیه تتمه خطاب در جمله: "فَادْرُؤْا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ" باشد، که در این صورت باید کلمه "تحسبن" را با ضمه با بخوانیم تا صیغه جمع مخاطب باشد و معنای آن با آخر آیه قبلی چنین شود: "بگو مرگ را از خود دور کنید و گمان نکنید آنها که کشته می‌شوند...".

و مراد از موت باطل شدن شعور و فعل است، و لذا در توضیح کلمه "احیا" از هر دو نمونه‌ای آورد، و فرمود: زنده‌اند و روزی می‌خورند، و خوشحالند، روزی خوردن نمونه فعل و "فرح" نمونه و اثری از شعور است زیرا خوشحال شدن، فرع داشتن شعور است.

"فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ..." کلمه "فرح" ضد کلمه "حزن" است، و کلمه "بشارت" و "بشری" به معنای هر خیری است که تو را خوشحال کند، و کلمه "استبشار" به معنای این است که در طلب این باشی که با رسیدن خیری و بشرایی خرسندی کنی و معنای جمله این است که کشته شدگان در راه خدا هم از نظر

رسیدن خودشان به فضل خدا و دیدن آن فضل خوشحالی می‌کنند و هم در طلب این خبر خوش هستند که رفقای عقب مانده‌شان نیز به این فضل الهی رسیدند، و آنها نیز خوفی و اندوهی ندارند.

از این بیان دو نکته روشن می‌شود، یکی اینکه کشته شدگان در راه خدا از وضع مؤمنین برجسته که هنوز در دنیا باقی مانده‌اند خبر دارند، و دوم اینکه منظور از این بشارت همان ثواب اعمال مؤمنین است که عبارت است از نداشتن خوف و نداشتن اندوه و این بشارت به ایشان دست نمی‌دهد مگر با مشاهده ثواب نامبرده در آن عالمی که هستند، نه اینکه خواسته باشند با موفق شدن به شهادت استدلال کنند بر اینکه در قیامت خوف و اندوهی نخواهند داشت، چون آیه در مقام این است که بفرماید پاداش خود را می‌گیرند نه اینکه بعد از شهادت تازه استدلال می‌کنند که در قیامت چنین و چنان خواهیم بود.

پس این آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه انسان بعد از مردن تا قبل از قیامت باقی و زنده است و ما بحث در این باره را به طور مفصل در بحث برزخ یعنی در تفسیر آیه: **"وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ"** گذرانیم.

"يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ ..." این "استبشار" اعم از استبشاری است که قبلاً فرمود از حال بازماندگان می‌کنند و شامل استبشار به حال خودشان هم می‌شود، و شاید همین دو تا بودن معنا باعث شده که دو باره آن را تکرار کند و همچنین کلمه فضل را دو باره بیاورد، جمله: **"وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ"** هم بر این عمومیت دلالت دارد، چون به اطلاقش شامل همه مؤمنین می‌شود، در آیه شریفه دقت بفرمائید.

در این آیه شریفه فضل و نعمت را نکره آورد، هم چنان که رزق را هم در آیات قبل سربسته ذکر کرد و نفرمود که آن رزق چیست، و این برای آن بود که ذهن شنونده در باره فضل و نعمت و رزق تا هر جا که ممکن است برود، و باز به همین جهت خوف و حزن را در سیاق نفی مبهم آورد، تا دلالت بر عموم کند، و بفهماند کشته شدگان در راه خدا هیچ نوع از انواع خوف و حزن را ندارند.

و از دقت در این آیات این معنا به دست می‌آید که اولاً در صدد بیان اجر مؤمنین است، و ثانیاً می‌خواهد بفهماند که این اجر که نزد خدای سبحان است رزق ایشان است، و ثالثاً این رزق نعمتی و فضلی از خدا است، و رابعاً این نعمت و فضل عبارت از این است که نه خوفی دارند و نه حزنی.

[معنای لطیف جمله "أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ"]

و این جمله یعنی جمله: "أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ" جمله عجیبی است، هر قدر انسان بیشتر در آن فرو می‌رود و تدبر می‌کند دامنه معنایش وسیع‌تر می‌شود، با اینکه جمله‌ای است لطیف و رقیق و بیانی است ساده و اولین چیزی که از معنای آن به ذهن می‌رسد این است که خوف و حزن از مؤمنین برداشته می‌شود و این را هم می‌دانیم که خوف تنها در امری فرض دارد که اولاً ممکن باشد، و ثانیاً احتمال آمدنش به سوی ما معقول باشد و ثالثاً اگر بیاید مقداری از سعادت ما را از بین می‌برد، سعادت که ما توقع داریم واجد آن باشیم و خود را واجد آن فرض می‌کنیم و همچنین حزن تنها از ناحیه حادثه‌ای است که پیش آمده و آن نیز مقداری از سعادت کذایی ما را سلب کرده، پس بلا و یا هر محذور و گرفتاری که فرض شود، وقتی از آن می‌ترسیم که هنوز بر سر ما نیامده باشد و اما وقتی آمد دیگر خوف معنا ندارد، آنجا جای حزن و حسرت است، پس بعد از وقوع خوفی نیست و قبل از وقوع هم حزنی نیست.

پس بر طرف شدن مطلق خوف از انسان تنها وقتی فرض دارد که هیچ يك از آنچه داریم در معرض زوال قرار نگیرد، و همچنین برطرف شدن مطلق حزن از انسان وقتی فرض دارد که آنچه نعمت که انسان بتواند از آن متنعم شود و لذت ببرد دارا باشد، و خدای تعالی به او افاضه کرده باشد، و نیز آنچه که دارد در معرض زوال قرار نگیرد، و این همان خلود سعادت برای انسان و خلود انسان در آن سعادت است.

و از همین جا واضح می‌شود که نبودن خوف و حزن عین روزی خوردن انسان نزد خدا است و به حکم آیه: "وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ"^۱ و آیه: "وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ"^۲ آنچه نزد خدا است هم نعمت و خیر است، هم باقی است، نه عذاب و شری آمیخته با آن است و نه فنا و زوالی بدان راه دارد. باز این معنا واضح می‌شود که نبودن حزن و خوف عیناً بودن نعمت و فضل است، و این خود عطیه است، لیکن در سابق یعنی در اوایل

۱- سوره آل عمران آیه: ۱۹۸

۲- سوره نحل آیه: ۹۶

کتاب گذشت و به زودی در تفسیر آیه: "مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ"^۱ میاید که نعمت وقتی در عرف قرآن اطلاق شود معنایش ولایت الهیه است، بنا بر این معنای آیه مورد بحث چنین می‌شود: "خدای تعالی متصدی و عهده‌دار کار مؤمنین است و آنان را به عطیه‌ای از خود اختصاص می‌دهد".

و اما احتمال اینکه مراد از "فضل" موهبتی باشد که زاید بر استحقاق در برابر عمل است. و "نعمت" عبارت باشد از موهبتی که در برابر عمل احتمالی است که با جمله: "وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ" نمی‌سازد برای اینکه در يك آیه فضل را اجر هم خوانده، و همه می‌دانیم که اجر تنها در مورد استحقاق است، پس مؤمنین مستحق فضل هم هستند، در سابق هم گفتیم و تو خواننده محترم توجه کردی که چند فقره زیر یعنی جمله "عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ" و جمله: "فَرِحِينَ بِمَا..." و جمله "يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ..." و جمله: "وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ"، مال و برگشتنشان به يك حقیقت است، پس فرق گذاشتن بین فضل و نعمت در چنین موردی درست نیست.^۲

۱- سوره نساء آیه: ۶۹

۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص: ۹۳